

نوروز را باید از نگاه خردسالان و نوجوان‌ها دید: انتقال نسل‌به‌نسلِ فرهنگِ شادی. برای شماری از بزرگ‌ترها شاید عمدتاً اغتشاش و هزینه‌های نالازم باشد.

جنبه‌ی خاطره‌انگیز نوروز اسکناس‌های نو بود که همراه برادرم و دوستان برای لذت تماشای شلوغکاری نورمن ویزدم و لوئی دو فونس و البته جری لویسِ همچنان دوست‌داشتنی خرج می‌شد.

چرندترین جنبه‌اش تکالیف ایام عید بود که مدیرمعلم‌ها به خواست والدین گرام بر سر بچه‌ها آوار می‌کردند تا زمین‌گیرشان کنند. سپاس مر اهورمزدا را که اتحاد نامقدس دیگر چنان قدرتی ندارد. کودکان جهان، متحد و قدرتمند بمانید.

در چرخه‌ی جدید طبیعت، این صحاری به احتمال زیاد ماه‌ها گرم و خشک خواهد بود و در پی نوروز (که مانند اول مهر طول روز و شب یکسان است) مدتی سرد و مرطوب، و جماعت شعرپرست شاید اهمیت ندهند آنچه پیش چشمشان جریان دارد خلاف مضامین سروده‌های قدماست.

در نبرد فرسایشی و (با الهام از ”پرفسور ماتاهاری“) صدمات متقابل ایران و اسلام، حالا دیگر می‌توان با اطمینان گفت خاکریز سرسبز نوروز از دست نخواهد رفت.

تخمه‌شکستن بلهوسانه‌اش را باید تاب آورد و شیرینی آرد نخودچی‌اش که دهان را پر از گرد و خاک می‌کند با قدری آبیاری شُست.